

تبیین رویکرد طبرسی در تفسیر جوامع الجامع^۱

باقر قربانی ززین^۲

چکیده

دانش تفسیر در سده‌های پنجم و ششم هجری شکوفا گشت و تفاسیر ارزشمندی برقرآن کریم نگاشته شد. یکی از شخصیت‌هایی که چندین اثر در علم تفسیر از او برجای مانده امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی است. وی سه تفسیر برقرآن کریم نگاشت که تفسیر وسیط یکی از آنهاست. نام این تفسیر جوامع الجامع است که در این نوشتار به تفصیل پیرامون ویژگی‌ها و چگونگی رویکرد طبرسی در آن بحث شده است. امتیازات این تفسیر نسبت به مجمع البیان و الکشاف زمخسری نیز از دیگر مطالب این نوشتار است. در پایان چاپ‌های گوناگون این اثر تقد و بررسی شده ویژگی‌های چاپ مرحوم استاد دکتر ابوالقاسم گرگی بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تفسیر، طبرسی، جوامع الجامع.

۱- مقدمه

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۴۶۰ تا ۵۴۸-۴۷۰ هـ.ق) از بزرگترین و نامدارترین مفسران شیعه است. او را با القابی چونان امام سعید (بیهقی، ۲۴۲)، امین الدین (منتجب‌الدین، ۱۴۴)، عمده المفسرین (شوشتری، ۱/۴۹۰) و امین الاسلام (آقا بزرگ طهرانی، ۲۴۸/۵)

۱- با یاد استاد دکتر ابوالقاسم گرگی.

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

ستوده‌اند. به گفته مجلسی (۹/۱) طبرسی از شخصیت‌هایی است که جلالت، فضل و وثوق او مورد اجماع همگان است.

بیهقی (۲۴۲-۲۴۳)، که معاصر طبرسی بوده است، می‌گوید که وی افزون بر استادی در علم نحو، تفسیر و سرودن اشعار در علوم حساب، جبر و مقابله «مشارالیه» بوده است. بیهقی افزوده است که برخی سروده‌های طبرسی را در کتاب وشاح خود آورده است. طبرسی نزد تتی چند از عالمان از جمله ابوعلی حسن بن محمد طوسی، فرزند شیخ طوسی و ملقب به مفیدثانی، دانش اندوخت (برای نام دیگر استادان طبرسی نک: کریمان، ۲۹۰/۱-۳۰۰) نکته جالب درباره زندگانی طبرسی آن است که معاصرانش در سده ششم هجری در مدح او سخن رانده‌اند: عبدالجلیل قزوینی رازی (ص ۵۲۶) او و افرادی همچون شیخ طوسی، فتال و ابوالفتوح رازی را در عداد مفسران اهل بیت (ع) آورده است؛ ابوالحسن بیهقی (۲۴۲-۲۴۳) از تألیفات نیکوی طبرسی سخن گفته و او را در علم نحو «فرید عصر» نامیده است، ابن شهر آشوب (۱۲۳) و شیخ منتجب الدین رازی (۱۴۴-۱۴۵) نیز خود را از شاگردان طبرسی معرفی کرده‌اند.

طبرسی صاحب سه اثر در علم تفسیر است: ۱- تفسیر مجمع البیان که به تفسیر کبیر شهره است. (نک: شوشتری، آقا بزرگ‌طهرانی، همانجاها؛ مجلسی، ۲۸/۱) ۲- تفسیر وسیط یا جوامع الجامع که به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت. ۳- تفسیر وجیز یا اخصر بانام الکافی‌الشافی که گزیده و تلخیصی از تفسیر کشاف‌جارالله زمخشری (م. ۵۲۸ هـ ق) است. طبرسی تألیفات دیگری نیز در زمینه‌های نحو، آداب، کلام، حدیث و دعا داشته است. (برای تفصیل نک: ابن شهر آشوب، ۱۲۳؛ منتجب‌الدین، ۱۴۴-۱۴۵؛ کریمان، ۲۶۰/۱-۲۹۰)

۲- تفسیر جوامع الجامع

طبرسی (جوامع الجامع، ۲/۱-۳) خود می‌گوید: پس از آنکه از تألیف تفسیر کبیر خود، مجمع البیان لعلوم القرآن، فراغت یافتم به کتاب الکشاف لحقائق التنزیل جارالله

علامه [زمخشری] دست یافتم و بخش‌هایی از مبانی و الفاظ و معانی دل‌انگیز آن را برگزیدم و خلاصه‌ای ترتیب داده و در کتابی به نام الکاف الشاف گردآوردم و هر دو کتاب (مجمع البیان و الکاف الشاف) مقبولیت عام یافت و بسان امثال در امصار برسر زبانها افتاد و مورد استفاده خاص و عام قرار گرفت. پس از آن فرزندم ابونصر حسن از من خواست که کتابی در تفسیر تألیف کنم که حدّ وسط آن دو کتاب پیشین باشد با افزودن طرائف و لطائفی تا این گفته تحقق یابد که: «سومین بهترین است» ولی از آنجا که من افزون بر هفتاد سال دارم نخست از پذیرش این کار سرباز زدم زیرا توان انجامش را در خود نمی‌یافتم ولی اصرار فرزند و واسطه قراردادن کسی که نمی‌توانستم پاسخ رد به او دهم مرا بر آن داشت که آستین همت بالا زنم و از خداوند یاری جویم و کتاب جوامع الجامع را تألیف کنم با حجمی متوسط و مطالبی پرفایده که حمل و حفظ آن آسان باشد و فوائد و فرائدش فراوان. در این کتاب نیز از آراء جارالله علامه سود جستیم.

نکته جالب آنکه طبرسی (همان، ۵۶۷/۴) می‌گوید که من این کتاب را از ماه صفر ۵۴۲ تا ماه محرم ۵۴۳ هجری در ۱۲ ماه به عدد جانشینان حضرت مصطفی (ص) و تقی‌بیان حضرت موسی (ع) به انجام رساندم. در بیش‌تر نسخه‌های کتاب نام آن جوامع الجامع ضبط شده است ولی مرحوم مجلسی (۹/۱) نام آن را «جامع الجوامع» آورده است. افندی (۳۴۳، ۳۵۶/۴) در دو نقل، نام کتاب را «جامع الجوامع» آورده ولی خود تصریح کرده که نام صحیح آن «جوامع الجامع» است. علامه صدر (۳۴۰) نیز به اشتباه نام کتاب را «مجمع الجوامع» آورده است. حاجی خلیفه (۶۱۱/۱) نیز نام مؤلف «جوامع الجامع» را به اشتباه ابوعلی طرسوسی یا طرسی ضبط کرده و گفته که همان صاحب مجمع البیان است!

۳- جوامع الجامع، مجمع البیان و الکشاف

همان گونه که پیش‌تر گفته شد طبرسی در این تفسیر از تفسیر خود، مجمع البیان، و تفسیر کشاف زمخشری بهره‌برده است. گاه مطالبی نقل کرده و گفته که تفصیل آن را در

مجمع البیان آورده است مانند تفسیر آیات ۵۵-۵۶ سوره المائده، که شأن نزول آیات را به اختصار در جوامع الجامع (۱/۳۳۷) آورده و گفته که تفصیل آن در «کتاب کبیر» است (نک: مجمع البیان، ۳/۲۱۰-۲۱۱) در موارد دیگری نیز به مجمع البیان ارجاع داده است. (نک: جوامع الجامع، همان، ۱/۱۷، ۵۴، ۳۱۶)

طبرسی در مباحث ادبی به کشف زمخشری ارجاع داده است مانند ترکیب نحوی آیه ۶ سوره البقره (نک: همان، ۱/۱۶-۱۷، ۴/۷۹) ولی در موارد متعددی آراء زمخشری را نقد و رد کرده است. برای نمونه در تفسیر آیه ۶ سوره المائده پس از نقل قول زمخشری، آن را فاسد دانسته و رد کرده است (نک: جوامع الجامع، ۱/۳۱۵-۳۱۶) گاه نیز پس از نقل قول زمخشری آن را تکمیل کرده است. (نک: همان، ۱/۳۳۷-۳۳۸)

۴- رویکرد طبرسی در تفسیر جوامع الجامع

تفسیر جوامع الجامع با اینکه از نظر حجم نسبت به دو کتاب دیگر طبرسی متوسط است ولی تمام مباحث لازم برای تفسیر آیات را به اختصار داراست: مباحث لغوی، صرفی، نحوی، بلاغی، اختلاف قرائات، مباحث کلامی و اعتقادی، فقهی و... البته گاهی این اختصار، به گفته زنده یاد استاد گرجی در مقدمه تصحیح (ج ۱، نوزده) موجب تعقید، و یا اختلال لفظی و معنوی شده است (برای نمونه‌های آن نک: جوامع الجامع، ۱/۴۳۶، ۴۴۱) ولی من حیث المجموع طبرسی توانسته به خوبی از عهده تفسیر آیات و حذف مطالب غیر ضروری برآید به چند نمونه جالب توجه فرمایید:

الف - در تفسیر آیه ۸۱ سوره النساء: «و یقولون طاعة فإذا برزوا من عندک بیئت طائفة منهم غیرالذی تقول والله ینتظرون» در معنای واژه «تبیئت» می‌گوید: این واژه یا از «بیوته» است زیرا تدبیری است که شبانه صورت می‌پذیرد یا از «بیت» شعر اخذ شده است زیرا شاعر در باره بیت می‌اندیشد و آن را مرتب می‌گرداند. (جوامع الجامع،

ب - گاه در ضمن مباحث نحوی، اصطلاحات نحویان بصره و کوفه را می‌آورد مانند

ضمیر فصل نزد بصریان و ضمیر عماد نزد کوفیان. (همان، ۱۵/۱)

ج - طبرسی در حدّ اختصار به مباحث بلاغی نیز پرداخته است مانند تفسیر آیه ۶۴

سوره المائده که به معنای مجازی واژه «ید» در عربی پرداخته و با توجه به سروده‌های عربی آن را پرورانده است.

د- در تفسیر آیه ۸۵ سوره البقره به اختلاف قرائت‌ها توجه کرده و گفته است که

برخی «أساری» را در آیه «أسری» و «تفادوهم» را «تفدوهم» قرائت کرده‌اند. وی سپس با توجه به اختلاف قرائت‌ها معنای آیه را تبیین کرده است. (نک: همان، ۶۰/۱)

ه - در تفسیر آیه ۶ سوره المائده در مبحث وضو با استفاده از مفاهیم آیه مبحث

شستن برخی اعضا و مسح برخی دیگر را بازگفته است (نک: همان، ۳۱۴/۱-۳۱۶) طبرسی در تفسیر خود از روایات پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) نیز فراوان بهره برده است. برای نمونه در جلد نخست جوامع الجامع، فهرست اخبار و روایات از ص ۵۲۲ تا ۵۳۴ صفحاتی دو ستونه را به خود اختصاص داده است.

اشعار و امثال نیز جایگاه ویژه‌ای در جوامع الجامع دارند. در پایان هر یک از

مجلدات چهارگانه بخشی از فهرست‌های کتاب راجع به اشعار و امثال است.

اشعار در مباحث لغوی (نک: جوامع الجامع، ۱۴۷/۱، ۲۸۳)؛ نحوی (همان، ۲۴/۱،

۱۴۳)؛ بلاغی (همان، ۳۴۰/۱، ۴۶۰) و شرح مفاهیم آیات (همان، ۳۱۱/۱، ۳۹۸) به کار رفته‌اند.

دیگر رویکرد طبرسی در جوامع الجامع تبیین مباحث کلامی شیعه است. برای نمونه

به چند مبحث اشارت می‌رود:

۱- در تفسیر آیه ۱۲۵ سوره الأنعام: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...»

آورده که خداوند به کسی لطف می‌کند و توفیقش می‌دهد که شایستگی آن را داشته باشد.

به تعبیر حکما «قابلیت محل» در برخورداری از توفیق و لطف الهی دخیل می‌باشد، و در

مقابل، اِضلال و گمراهی نیز از سوی خداوند برای کسی است که خود، پیش تر زمینه‌های آن را در خود به سوء اختیار فراهم کرده باشد. (نک: جوامع الجامع، ۴۰۸/۱)

۲- طبرسی نیز مانند بسیاری از متکلمان پیش از خود از جمله علم الهدی شریف مرتضی و شیخ طوسی، انبیاء (ع) را منزّه از گناه می‌داند. برای نمونه در تفسیر آیه ۴۳ سوره التوبه: «عفا الله عنک...» پس از نقل گفته زمخشری در الکشاف (۲/۲۷۴) که می‌گوید: این آیه کنایه از گناهی است که پیامبر اکرم (ص) مرتکب شده است. طبرسی (جوامع الجامع، ۵۸۵۷/۲) می‌گوید که پیامبر اسلام که سید انبیاء و بهترین زاده حواست از نسبت گناه مبراست و مقام او بسی والاست. در این آیه عفو پیش از عتاب است هرچند جایز است که پروردگار، پیامبران را به جهت ترک اولی سرزنش نماید. جالب آنکه در پانوش کشاف (۲/۲۷۴) همین گفته‌ها و تحلیل طبرسی بدون آوردن نام و استناد به او ذکر شده است.

۳- در تفسیر آیه ۳ سوره المائده: «الیوم اکملت لکم دینکم...» به صراحت اعلام می‌دارد که مراد از اِتمام نعمت، ولایت امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام است و با استناد به روایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام اظهار می‌دارد که این آیه در غدیر خم و در حَجّه الوداع نازل شد و پیامبر (ص) در آن روز حضرت علی (ع) را به عنوان جانشین بلافصل خود منصوب فرمود (جوامع الجامع، ۳۱۲/۱). در تفسیر آیه ۶۷ سوره المائده: «یا ایها الرسول بَلِّغْ ما أنزل الیک من ربّک و إن لم تفعل فما بَلِّغْتَ رسالته...» نیز به واقعه غدیر خم اشاره کرده و نزول آیه را در باره جانشینی بلافصل پیامبر (ص) دانسته است. جالب آنکه گفته در برخی قرائت‌ها «رسالاته» به جای «رسالته» آمده است یعنی اگر این رسالت [امامت حضرت علی (ع)] را تبلیغ نکنی دیگر رسالت‌های خود را نیز ابلاغ نکرده‌ای. (همان، ۳۴۲/۱)

۴- در تفسیر آیه ۴۱ سوره الأنفال: «واعلموا أنّما غَنِمْتُمْ من شیء فأنّ الله خُصّه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل...» طبرسی (همان، ۲۱/۲) می‌گوید

که خمس مطابق مفاد آیه به ۶ قسمت تقسیم می‌شود: سهمی از آن خدا، سهمی از آن رسول خدا و سهمی از آن ذوی القربی است. این ۳ سهم پس از رسول خدا در دست جانشینان او می‌باشد. سهم‌های باقیمانده از آن یتیمان از شیعیان آل محمد (ع) و مساکین آنان و در راه سفرماندگان نشان است و کسی در این سهم‌ها با آنان شریک نخواهد بود. زیرا خداوند متعال صدقه را برای سادات حرام کرده و به جای آن خمس را برایشان مقرر داشته است.

۵- در تفسیر آیه ۴۸ سوره البقره: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ...» آورده که این عدم پذیرش شفاعت مختص قوم یهود است زیرا آنان معتقد بودند که «آباؤنا يشفعون لنا» پدرانمان ما را شفاعت خواهند کرد و قرآن کریم آنان را مأیوس می‌گرداند. از دیگر سو طبرسی «شفاعت مقبول» را برای پیامبر اکرم (ص) از موارد اجماع امت بر می‌شمرد و می‌گوید هر چند در کیفیت آن اختلاف نظر هست اما در اصل آن هیچ اختلافی نیست و اجماع امت، حجت است. (جوامع الجامع، ۴۴/۱)

طبرسی در موارد متعددی آراء کلامی زمخشری را رد کرده است. برای نمونه در تفسیر آیه ۴۸ سوره النساء: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ...» پس از نقل گفته زمخشری در کشاف (۵۱۹/۱ - ۵۲۰) که می‌گوید: آمرزش و عدم آمرزش مربوط به «لمن يشاء» است. آمرزش برای کسانی است که توبه کنند و عدم آمرزش کسانی راست که توفیق توبه نمی‌یابند. طبرسی (همان، ۲۶۱/۱-۲۶۲) می‌گوید که این گفته زمخشری نادرست و فاسد است زیرا بنابر آن آمرزش و عدم آمرزش در حکم و معنا یکسان خواهند بود. به علاوه توبه، عِقَاب و عذاب را برطرف می‌کند پس چگونه است که آمرزش توبه کننده بازهم مشمول «لمن يشاء» خواهد بود؟

در تفسیر سوره کوثر نیز زمخشری (۸۰۷/۴) گفته که پیامبر «ابتر» نیست زیرا تمام انسان‌های با ایمانی که تا روز قیامت زاده می‌شوند اولاد پیامبر و از دومان او هستند. طبرسی (همان، ۵۴۸/۴) با رد نظر زمخشری گفته که این استدلال، رها کردن حقیقت و

دست یازیدن به مجاز است در جایی که ضروری نیست. به علاوه قرآن کریم به صراحت در آیه ۴۰ سوره الاحزاب: «ماکان محمدٌ اُبا أحدٍ من رجالکم و لکن رسولَ الله و خاتم النبیین...» مطرح می‌کند که پیامبر اکرم (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست لیک رسول خدا و پیامبر خاتم است.

با توجه به مطالب گفته شده مشخص شد که تفسیر جوامع الجامع طبرسی در عین آنکه با نظر به کشاف زمخشری تألیف گشته ولی کاملاً مستقل است. از این رو این کتاب از آغاز به تعبیر شوشتری (۱/۴۹۰) «درمیان، متداول و مشهور و معتبر و منظور» بوده است.

۵- چاپ‌های گوناگون تفسیر جوامع الجامع

چاپ سنگی این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۲۱ هـ ق در تهران به انجام رسید (آقا بزرگ طهرانی، ۲۴۹/۵) با اشراف جمعی از فضلاء قم. (جوامع الجامع، چاپ سنگی، مقدمه قاضی طباطبایی، صفحه ج) دیگر چاپ سنگی این کتاب به شکل افست در ماه رجب سال ۱۳۷۹ هـ ق در تبریز صورت پذیرفت با مقدمه سید محمد علی قاضی طباطبایی که در ضمن آن از زندگانی و آثار طبرسی سخن به میان آمده است. برخی پانوشتها نیز در ذیل صفحات در این چاپ موجود است. اما نخستین چاپ تحقیقی کتاب در اسفند سال ۱۳۴۷ از سوی انتشارات دانشگاه تهران و با مقدمه و تحقیق مرحوم استاد دکتر ابوالقاسم گرجی (م. ۱۳۸۹ ش.) به انجام رسید. مرحوم استاد دکتر گرجی در مقدمه ۳۲ صفحه ای خود درباره زندگانی و آثار طبرسی و برخی ویژگی‌های جوامع الجامع سخن گفته و به معرفی نسخه‌هایی پرداخته که در چاپ بدانها مراجعه داشته است و در پایان، کیفیت تصحیح کتاب را بیان کرده است. مشکول بودن بخش اعظم کتاب، پانوشته‌های توضیحی و ذکر نسخه بدل‌ها، غلط‌های چاپی اندک و فهرست‌های بسیار کارآمد از مزایای چاپ مرحوم استاد دکتر گرجی است. مجلد دوم جوامع الجامع در سال ۱۳۵۹ ش. و مجلد سوم در سال ۱۳۷۱ ش. توسط مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران با تصحیح استاد گرجی به

چاپ رسید. در سال ۱۳۷۷ این ۳ مجلد با همکاری دانشگاه تهران و مؤسسه انتشارات سمت تجدید چاپ شد. مجلد چهارم و پایانی آن نیز در سال ۱۳۷۸ با تصحیح استاد گرجی و با همکاری دو مؤسسه مذکور از چاپ خارج شد. دقت‌های وسواس گونه مرحوم استاد گرجی در چاپ کتاب کاملاً مشهود است و بحق می‌توان تصحیح و چاپ این کتاب را خدمتی فرهنگی و ارزشمند و از باقیات صالحات آن استاد فقید دانست. چاپ دیگری نیز از تفسیر جوامع الجامع در ۱۴۰۵ ق. / ۱۹۸۵ م. توسط دارالأضواء در بیروت و با تصحیح آقای کامل سلیمان در ۲ مجلد صورت پذیرفت. پانوشتهای این چاپ در حد معانی و ازگان و ذکر نشانی آیات است و پانوشتهای تفصیلی و توضیحی در آن به چشم نمی‌خورد و کتاب بدون مقدمه تحقیق و فهرست‌های لازم به چاپ رسیده است.

چاپ دیگری نیز از تفسیر جوامع الجامع با تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی در ۱۴۱۸ ق. در قم به انجام رسید. مزیت این چاپ نسبت به چاپ مصحح استاد گرجی یافتن منابع احوال طبرسی و ذکر آنها در پانوشته است (برای نمونه نک: جوامع الجامع، ۱۴۱۸، ۱۷۸/۱) و توضیح درباره اعلام متن در پانویس. (نک: همان، ۱۳۰/۱)

ترجمه کاملی نیز از این تفسیر بر مبنای چاپ مرحوم استاد دکتر گرجی توسط گروه ترجمه عربی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد و در ۶ مجلد صورت پذیرفت. مجلد نخست آن در ۱۳۷۴ ش. و مجلد ششم در ۱۳۷۷ ش. به چاپ رسید. با توجه به حجم مناسب و شیوه جالب طبرسی در این تفسیر مناسب است که چونان گذشته این تفسیر هم در حوزه‌های علمیه و هم در دانشگاه‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

کتاب شناسی

۱- قرآن کریم.

۲- آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، بیروت، دارالأضواء،

۱۴۰۳ هـ/ق ۱۹۸۳ م.

- ۳- ابن شهر آشوب، محمد علی معلم العلماء، تحقیق عباس اقبال، طهران، ۱۳۵۳ هـ.ق.
- ۴- افندی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم، مطبعه الخیام، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- ۵- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، تاریخ بیهق، تحقیق احمد بهمنیار، با مقدمه علامه محمد قزوینی، تهران، انتشارات مروی، چاپ سوم ۱۳۶۱ هـ.ش.
- ۶- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ هـ.ق/ ۱۹۸۲ م.
- ۷- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۶۶ هـ.ق/ ۱۹۴۷ م.
- ۸- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ چهارم ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۹- صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، عراق، بی تا.
- ۱۰- طبرسی، فصل بن حسن، جوامع الجامع، با تحقیق دکتر ابوالقاسم گرجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مؤسسه سمت، ۱۳۴۷-۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۱۱- همو، جوامع الجامع، تصحیح کامل سلیمان، بیروت، چاپ اول دارالأضواء، ۱۴۰۵ هـ.ق/ ۱۹۸۵ م.
- ۱۲- همو، جوامع الجامع، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ اول ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۱۳- همو، جوامع الجامع، چاپ سنگی، با مقدمه سید محمد علی قاضی طباطبایی، تبریز، ۱۳۷۹ هـ.ق.
- ۱۴- همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
- ۱۵- قزوینی رازی، عبدالجلیل، کتاب نقض، تحقیق میرجلال الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ دوم ۱۳۵۸ هـ.ش.
- ۱۶- کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۴۱ هـ.ش.
- ۱۷- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم ۱۴۰۳ هـ.ق/ ۱۹۸۳ م.
- ۱۸- منتجب الدین رازی، علی بن عبیدالله، الفهرست، تحقیق سید عبد العزیز طباطبایی، قم، مطبعه الخیام، چاپ اول ۱۴۰۴ هـ.ق.